

این کتاب ترجمه ای است از :  
les dossiers de la Bible  
**Jérémie**  
'Juin 1991 No 39'

فرازهایی از کتاب مقدس

# ارمیای نبی

---

عنوان : ارمیای نبی  
از مجموعه : فرازهایی از کتاب مقدس

[www.irancatholic.com](http://www.irancatholic.com)

## فهرست

صفحه

۵	مقدمه
۶	ارمیا در عصر خویش
۱۲	آیا ارمیا پیامبر بدبختی بود؟
۱۶	الهامات بدبختی و الهامات نجات
۱۷	حرکات نمادین، زبانی نبوتی
۲۰	استعاره های ارمیا
۲۲	«حکم مرگت را امضا کردی»
۲۶	خدا محاکمه می شود - اعترافات ارمیا
۳۱	عهدی نوین
۳۵	یک مرد، یک کتاب
۳۹	دو نسخه متفاوت از کتاب ارمیا
۴۰	گروههای مطالعاتی کتاب مقدس
۴۲	یادداشتهایی برای تعمق - دعوت الهی ارمیا
۴۴	عیسی، ارمیایی دیگر در انجیل متی

## ارمیا در عصر خویش

ارمیا یکی از انبیا است که داستان زندگی به خاطر وجود روایات بسیار که به تناوب در پی الهاماتش که در کتابی به اسم خود وی حکایت شده اند به خوبی معرف همگان می باشد. ارمیا با آنکه در خانواده کهنانی متولد شده اما هیچگاه در حین انجام کهنانی دیده نشده است. اگر وارد معبد می شود تنها برای مخالفت با کاهنان اورشلیم است. او که از اهالی عناتوت دهکده ای به مسافت یک ساعت راه با شهر می باشد، دهقانی بیش نیست. تمام زندگانش در حوالی اورشلیم سپری می شود اما از موقعیت کشورش و همسایگان قدرتمند آن به خوبی آگاه است.

### آشور، بابل و مصر

وقتی ارمیا در سال ۶۲۶ شروع به نبوت کردن نمود دقیقاً بیست ساله بود و آشور بانیپال کمی قبل از آن فوت شده بود. با مرگ وی آشور آخرین پادشاه قدرتمند خود را از دست داد. به سال ۶۱۲ نینوا پایتخت آشور به دست بابلیان افتاد و این سرانجام امپراتوری با عظمت آشور بود که به مدت بیش از ۲ قرن بر تمام منطقه خاور میانه حکومت کرده بود. بابل، رقیب آشور در جنوب بین النهرین همچنان بر شوکت خود می افزود. نبوکد نصر از همان آغاز سلطنت خویش در سال ۶۰۵ با ارتش مصر در گرگمیش در ساحل فرات به زد و خورد می پردازد و از این طریق پادشاهی کوچک یهودا را همانند حکومتی تحت آمریت خویش می شمارد.

کشور مصر تا آن زمان حاکم مطلق و مسلم همسایه کوچک خود یعنی پادشاهی یهودا بود. برای مثال فرعون نکودوم در سال ۶۰۹ یهوآخاز پادشاه را معزول کرده و یهوایاقیم را به جای وی می نشاند. پادشاهان اورشلیم همواره در پی حمایت مصر برای دفاع در مقابل تهدید بابل هستند اما مصر کمتر خود را درگیر کرده و منافع دیگری را دنبال می کند و در اندیشه الحاق یهودا است.

### مقدمه

نبی... این واژه طنین مبارزه طلبی است. اعتراض به مقامات دولتی و جامعه به نام خدا و تنها با کلام او و با نیروی حقیقت، کاری پر زرق و برق است. اما ارمیای نبی اهمیتی بدان نمی داد. او جز شاهدی غمناک از اضمحلال میهنش، پادشاهی یهودا، در برابر قدرت بابل نبود و به کرات سعی نمود تا از این مأموریت خطیر که خداوند بر کرده اش نهاده بود شانه خالی نماید، مأموریتی که برای او جز ناراحتی، جنگ و شکست ارمغانی دیگر نداشت و سرانجام نیز اولیای امور وی را از پا انداخته به مصر تبعید کردند.

با این وجود، کلام وی ثمرات شگفتی نزد تبعیدیان به بابل به بار خواهد آورد.

تبعیدیان با یادآوری الهامات وی دلایلی برای ایمان و امید داشتن حتی در کشوری بیگانه برای مدتهای طولانی خواهند یافت. ارمیا تفکری جدید از اسرائیلی کاملاً متفاوت، اسرائیلی بدون پادشاه، بدون ارتش، بدون هیکل و زنده در کنار خدای خود حتی در تبعید ارائه می دهد. او مذهبی را پایه گذاری می کند که دیگر نه ملی و نه صرفاً اجتماعی می باشد بلکه مذهبی که در آن همه «از کوچک و بزرگ» خواهند توانست خداوند را بشناسند و در عهدی کاملاً نوین با خداوند بسر برند. یهودیان به لطف ادراک و مکاشفه ارمیا، راز حفظ بقای خود را در سایر کشورها خواهند آموخت.

ارمیا، این مرد با ایمان، مردی شبیه ما، که از خیلی پیش عیسی را اعلام می دارد، شاهدی است که به اندازه توانش بار کلام خدا را برای مردم زمان خویش به دوش کشید. فیض خدا، نور و آینده ای از برای دیگران را در میان تلاشها، تردیدها و ناامیدیهای او به فوران درآورد. قرائت این کتاب می تواند کمکی باشد برای بهتر شناختن چهره جذاب این نبی که ۲۶ قرن پیش از این می زیسته است! کلامش ما را به کانون قلبمان ارجاع می دهد و قادر است شهادت و واقع گرایی را، در عهد و پیمان با عیسی مسیح، به زندگیمان بازگرداند.

فساد همگانی را اعلام می‌کرد. او حتی اعلام کرد که خدا علیه اورشلیم خواهد بود. یهوایقیم کاملاً به این اخطارها بی‌توجهی نشان داد و در سال ۶۰۴ یکی از طومارهای ارمیا را که توسط کاتبش باروک نوشته شده بود سوزانید (باب ۳۶). در سال ۶۰۰ یهوایقیم یک بار دیگر عهدهایش را شکست و علیه بابل قیام کرد.

### سلطنت صدقیا (۵۹۷-۵۸۷)

از آغاز سال ۵۹۸ ارتش نبوکدنصر یهودا را اشغال کرد. یهوایقیم در همین اثنا مرد. پسرش یهوایکین پس از او به سلطنت رسید و طی سه ماه تسلیم شد. رؤسای ارتش، مشاوران و کاهنان که حزقیال نیز در میانشان بود به همراه خانواده سلطنتی، به بابل به اسارت برده شدند. این اولین تبعید است. نبوکدنصر صدقیا را به جای یهوایکین بر تخت سلطنت می‌نشانند. ارمیا بی‌وفقه موعظه می‌کند که تسلیم یهودا به بابل نشانه تنبیه اورشلیم بی‌وفا از سوی خداست. اما خلاف گفته خود را از انبیاپی چون حننیا می‌شنود (بابهای ۲۷-۲۸). گویی شکست خورده است؛ ناامیدیش برای مأموریتی ناممکن در اعترافات وی متجلی می‌شود (ر. ک مقاله اعترافات ارمیا صفحه ۲۵).

صدقیا در پی مشورت با هواخواهان مصر در شورش علیه بابل درگیر می‌شود. سال بعد یعنی سال ۵۸۸ ارتش بابل، یهودا را اشغال کرده اورشلیم را محاصره می‌کند. این محاصره یک سال و نیم به طول می‌انجامد و فقط در اوایل سال ۵۸۷ به مدت سه ماه شکسته می‌شود. ارمیا همچنان پیروزیهای بابلها را اعلام می‌دارد و بدین سبب دستگیر می‌شود. او به صدقیا توصیه می‌کند تسلیم شود تا از شکستی جبران‌ناپذیر جلوگیری شود ولی صدقیا هیچ‌گونه توجهی به گفته‌های ارمیا نمی‌کند (بابهای ۳۷-۳۸). در ژوئیه سال ۵۸۷ شهر سقوط می‌کند و صدقیا در حال فرار دستگیر و تبعید می‌شود. شهر و هیکل به آتش کشیده می‌شوند (باب ۳۹). یازده سال پس از اولین کاروانی که روانه تبعید شده بود کاروانی دیگر راه شمال یعنی راه بابل را درپیش می‌گیرد.

### سلطنت یوشیا (۶۴۰-۶۰۹)

کتاب مقدس از این پادشاه یهود تمجید فراوان کرده است چرا که او موفق شد قسمتی از پادشاهی اسرائیل در شمال را در زمان انحطاط آشورباز پس بگیرد. اما ستایش و تمجید از او بیشتر به جهت اصلاحات مذهبی است که در سال ۶۲۸ «یا ۶۲۲؟» (به دنبال یافتن کتاب شریعت خداوند در معبد اورشلیم) انجام می‌دهد. اصلاحات مذهبی که مطابق شریعت تنبیه انجام می‌گیرد، تأکید بر پذیرفتن اورشلیم همانند تنها قدس پادشاهی و از میان برداشتن دیگر پرستشگاهها دارد. ارمیا از این اصلاحات بی‌نهایت خرسند است. اما افسوس که این اصلاحات تنها ۱۲ سال بطول می‌انجامد و مرگ یوشیا که در جنگ با مجدیان به سال ۶۰۹ اتفاق می‌افتد به این رویای مذهبی خاتمه می‌دهد. عادات کهن و رسوم بت‌پرستی باز از نو پدیدار می‌شوند.

### سلطنت یهوایقیم (۶۰۹-۵۹۸)

یهوآآز پسر یوشیا پس از سه ماه سلطنت توسط یکی از برادرانش، یهوایقیم خلع شد. اما یهوایقیم نیز خیلی زود خود را خراجگذار نبوکدنصر اعلام داشت. یکی از سخنرانیهای ارمیا در معبد فاجعه به بار آورد و چنانچه یکی از وزرای شاه از ارمیا حمایت نمی‌کرد او جانش را بر سر این موعظه از دست می‌داد (باب ۷ و ۲۶). شاه از پیام نبی خوشش نیامد چرا که بی‌عدالتیهای شاه و مسئولین و

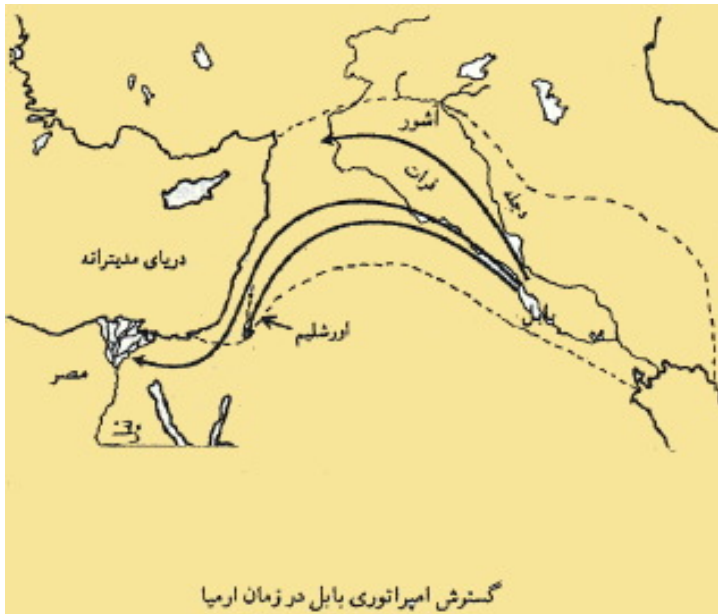


پادشاه یهوایقیم نوشته‌های ارمیا را می‌سوزاند  
تصویر برگرفته شده از کتاب مقدس ژرون

آشور	بابل	یهودا	مصر
آشور بانپال (۶۸۸-۶۲۷)	۶۲۶ نیویلاسر شورش بابل علیه آشور	۶۴۲-۶۴۰ آمون (کشته می شود) یوشیا (۶۴۰-۶۰۹) صفنیای نبی ۶۲۸ شورش یوشیا؟ ۶۲۶ دعوت ارمیا ۶۲۲ یافتن کتاب شریعت در معبد؛ اصلاحات کتاب تثبیه بازپس گیری مناطق شمالی (اسرائیل) ناحوم پیامبر ۶۰۹ یوشیا درمجدو کشته می شود یهوآخاز (۳ماه) به مصر تبعیدمی شود یهویاقیم (۶۰۹-۵۹۸)	پسامتیک اول (۶۶۴-۶۱۰) مصر را از دست آشور رهایی داد  نکو دوم (۶۱۰-۵۹۴) یهویاقیم به جای یهوآخاز به سلطنت می رسد
۶۱۲ نینوا تسلیم بابلیها و مدیان می شود	نیوکدنصر (۶۰۵-۵۶۲) مصر را در گرگمیش مغلوب می کند.	۶۰۵ تابعیت از بابل ۶۰۴ طومار ارمیا توسط یهویاقیم سوزانده می شود (ارمیا ۳۶) ۶۰۰ شورش علیه بابل می کند.	

## سرانجام ارمیا

نیوکدنصر، صاحب منصبی جدلیا نام را که از ارمیا حمایت کرده و عضو گروه هواخواهان کلدانیان بود بر مسند حکومت می نشاند. جدلیا سه ماه پس از این تاریخ به دست ملی گرایان کشته شد (باب ۴۰). قاتلان وی برای فرار از انتقام به مصر پناهنده شدند و باروک و ارمیا را نیز به زور با خود بردند. ارمیا در مصر آخرین الهامات خود را اعلام کرد (بابهای ۴۲-۴۴). کسی از سرانجام او اطلاعی ندارد.



## آیا ارمیا پیامبر بدبختی بود؟

اغلب ارمیا را «پیامبر بدبختی توصیف کرده اند» و بی شک این توصیف به دلیل کتاب مراثی ارمیاست. در واقع ترجمه یونانی کتاب مقدس، هفتادتنان، کتاب مراثی را بلافاصله پس از کتاب ارمیا جای داده است چرا که در ارمیا همان شخصی را می بیند که بر اورشلیم می گرید. هرچند که آشکار است ارمیا از جانب خدا برای از ریشه کندن و سرنگونی، نابودی و خرابی فرستاده شده است اما میل شدید او را برای «ساختن و غرس نمودن» نیز نباید از یاد برد (۱۰:۱).

### از نظر ارمیا علت بدبختی چیست؟

ارمیا خود را در میان بدبختی که گریبان گیر حکومت یهودا در نیمه اول قرن ششم قبل از میلاد شده، می یابد. از همان ابتدا به صحت و درستی نبوت می کند: **بلایی از طرف شمال به جمیع سکنه این زمین منبسط خواهد شد (۱:۱۴)**. ارمیا که به خوبی از وضعیت سیاسی سرزمینهای خاورمیانه آگاه است پایان قریب الوقوع حکومت کوچک یهودا و تقسیم آن بین ملل قدرتمند آن عصر را به وضوح می بیند. اما همانند ایماننداری وفادار، گناه قوم دور از خدا را تشخیص می دهد و علت تمام این بدبختیها را در این دوری از خدا می داند: **من گفتم به درستی که اینان فقیرند و جاهل هستند که راه خداوند را و احکام خدای خود را نمی دانند. پس نزد بزرگان می روم و با ایشان تکلم خواهم کرد زیرا که ایشان طریق خداوند و احکام خدای خود را می دانند، لیکن ایشان متفقاً یوغ را شکسته و بندها را گسیخته اند! (۵:۴-۵)**.

افکار ارمیا بسیار نزدیک به افکار نویسندگان سفر تثبیه می باشد و مانند ایشان بدبختی را نتیجه اعمال بد قوم می داند. ارمیا مانند ایشان در صحرا نشانی از تنبیه و مجازاتی می بیند که خدا به سبب عدم رعایت عهد بر قوم روا

آشور	بابل	یهودا	مصر
	<p>۵۹۸ اولین محاصره اورشلیم یهویاکین (۳ماه) مارس ۵۹۷: تسلیم؛ اولین تبعید به بابل از جمله یهویاکین و حزقیال</p>	<p>صدقیا (۵۹۷-۵۸۷) توسط نبوکدنصر به سلطنت می رسد ۵۹۳ حزقیای نبی در بابل ارمیا و حننیا (ار ۲۷-۲۸) ۵۸۹ شورش علیه بابل</p>	<p>پسامتیک دوم (۵۸۹-۵۹۴) حفرع (۵۶۸-۵۸۹) ۵۸۸ مداخله برای آزادی اورشلیم</p>
		<p>۵۸۸ دومین محاصره اورشلیم (۱۸ماه) ۵۸۷ ژانویه تا مارس: محاصره شکسته می شود وعده به برده ها (ار ۳۵) ارمیا زندانی می شود (ار ۳۷-۳۸) آوریل: از سرگیری محاصره دوم ژوئیه: اشغال اورشلیم صدقیا در حین فرار دستگیر و تبعید می شود اوت: تخریب معبد و شهر دومین تبعید به بابل</p>	
		<p>جدلیا به دست نبوکدنصر به پادشاهی می رسد (۳ماه) بعد توسط مبارزانی به قتل می رسد و آنان ارمیا را با خود به مصر می برند (ار ۴۲-۴۳)</p>	

است که باید مورد توجه قرار گیرد و نه تنبیه و مجازات: اگر آن امتی که گفته باشم از شرارت خویش بازگشت نمایند آنگاه از آن بلایی که به آوردن آن قصد نموده ام خواهم برگشت (آیه ۸).

### پس از بدبختی:

### نباید خود را با توهمات تسلی داد (ارمیا ۲۸)

باب ۲۸ کتاب مربوط به سالهای پیش از دومین محاصره اورشلیم (۵۸۷) می باشد. متخصصین تاریخ نگارش آن را سال ۵۹۳ می دانند سالی که کشور به ویرانه ای کامل تبدیل شده است: شاه، ثروتمندان و کارگران و صنعتکاران به امر نبوکدنصر تبعید شده اند. نبوکدنصر، صدقیا را بر تخت شاهی نشانداده است. یک نبی تازه به دوران رسیده بازگشت قریب الوقوع پادشاه و ظرفهای خانه خدا که بابلیان آنها را با خود برده اند اعلام می دارد (آیه های ۳-۴). ارمیا متوجه است که این بازگشت سریع صلح چیزی جز یک خیال واهی

نیست و دلایل بیشتری برای بدبختی برمی شمارد: به عقیده وی، انبیا نه تنها پیش از وقوع فاجعه آن را اعلام کرده بودند بلکه در زمان وقوع حادثه نیز، گسترش یوغ بابلیها بر تمام امتهای را اعلام می دارند (۲۹: ۸، ۱۴).

این شدت کلام ارمیا که گریز را ناممکن می داند یادآور کلام دیگر او در مورد کاهنان و انبیاست که: جراحات قوم مرا



می دارد. او برای بدبختی ارزشی تعلیمی قائل است تعلیمی که آن را تعلیم الهی گویند. این تعلیم می گوید که باید ضمن برگشت به سوی خدا عهد را پذیرفت: بین امروز حیات و نیکویی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم... حیات را برگزین (تنبیه ۳۰: ۱۵).

ارمیا قوم را به برگزیدن نیکویی با تکیه نمودن بر خداوند دعوت می کند: بلکه ایشان را به این چیز امر فرموده گفتم که قول مرا بشنوید و من خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود و به هر طریقی که به شما حکم نمایم سلوک نمایید تا برای شما نیکو باشد (ارمیا ۷: ۲۳). آنچه خواننده امروزی با مطالعه کتاب ارمیا درمی یابد این است که ارمیا بارها با تفسیر وقایعی که بر حکومت یهودا می گذرد پا پیش می نهد و وساطت می کند. شنیدن تفسیر (اولین سقوط اورشلیم) پیش از سال ۵۹۸ و وقایع آینده (۱: ۱۸-۱۲) بسیار جالب و شنیدنی است. شنیدن تفسیر او به هنگام بدبختی نیز خالی از لطف نیست (بابهای ۲۸-۲۹).

### قبل از بدبختی:

### ارمیا پیش کوزه گر (۱: ۱۸-۱۲)

مقاله «حرکات نمادین، زبانی نبوتی» اهمیت اعمال نمادین ارمیا را توضیح می دهد. توجه داشته باشید که ارمیا با تشبیه بنی اسرائیل به یک کوزه به شیوه خود پیمان بین خداوند و قوم را بیان می کند: چنانکه گل در دست کوزه گر است همچنان شما ای خاندان اسرائیل در دست خدا می باشید (ارمیا ۱۸: ۶).

آیه های ۱۱ و ۱۲ تأیید می کنند که خدا آماده ترک قومش است همانطور که کوزه گر ظرفی را که شکل نمی گیرد رها می کند. بدبختی که گریبان قوم را گرفته در مرحله اول نتیجه امتناع قوم از شکل گیری و خلق شدن به دست خداست. رهایی که خدا می دهد به شدت و سختی در تنبیه متجلی می شود (آیه های ۸، ۱۰، ۱۱). اما بدبختی هرگز آخرین کلام نیست: دعوت به بازگشت



## الهامات بدبختی و الهامات نجات

پیام انبیا در کتاب مقدس همواره شمشیر دو دم بوده که در عین خشن بودن تسلی بخش نیز می باشد. نبی، غالباً بسیار خشن و جدی دامنه گناه قوم را که باعث هدایت مستقیم آن به سوی فاجعه می شود، آشکار می سازد. نبی گناه را همچون نتیجه قساوتی قلب قوم و مجازات خدا معرفی می کند. انبیا از قرن هشتم تا ششم قبل از میلاد درگیر حوادث بزرگ تاریخ ملی، اضمحلال حکومت شمال (۷۲۲) تا بازگشت از تبعید بابل (۵۳۸) بودند.

عاموس و هوشع و اشعیا در قرن هشتم به وضوح بدبختی را که بر قوم اسرائیل نازل خواهد شد اعلام می کردند. این الهامات بدبختی یقیناً با موعظه ای که از امید پس از سختی و آزمایش سخن می گفت، همراه بودند. اما بازگشت سعادت مشروط به قلبی متقلب است.

پس از زمان آزمایشات و در زمان تبعید، ارمیا و حزقیال بیشتر مردم را دعوت به بازگشت به سوی خدا نمودند. پس از تبعید الهامات سلامتی (نجات) در کتاب اشعیا یثانی (بابهای ۴۰-۴۵) بیشتر به چشم می آیند. به همین دلیل و نیز به دلیل اولین کلمات باب ۴۰، این کتاب به کتاب تسلی ملقب شده است.

به نظر می رسد که قوم پیش از تبعید قادر به پذیرش دعوت انبیا نبود. پس این الهامات بدبختی شواهدی غم انگیز بودند از آنچه در انتظار قلبهای سخت بود و نه فال و جادو.

اندک شفایی دادند چونکه می گویند سلامتی است، سلامتی است با آنکه سلامتی نیست (۱۴:۶). مسئولیت نبی حقیقی او را وامی دارد تا مبارزات و آزمایشها را ارزیابی نماید نه اینکه با پناه بردن به شعارها، هر چند که والا باشند، بخواهد آنها را دور کند: اما آن نبی که به سلامتی نبوت کند اگر کلام آن نبی واقع گردد آنگاه آن نبی معروف خواهد شد که خداوند فی الواقع او را فرستاده است! (۹:۲۸).

## سرانجام بدبختی: پذیرش آزمایش (ارمیا ۲۹)

باب ۲۹ کتاب شامل نامه ای به تبعیدیان سال ۵۹۷ می شود که آنان را دعوت به اسکان در بابل، سرزمین بیگانه می کند (آیه های ۴-۷). برخلاف ملی گرایی تنگ نظر، پیامبر مردم را به فرمانبرداری از نبوکدنصر تشویق می کند. ارمیا در این باب نیز همچون «انبیای دروغین» را که در نزد تبعیدیان هستند محکوم می کند و باز به نام خداوند می گوید: **فکرهایی را که برای شما دارم می دانم که فکرهای سلامتی می باشد و نه بدی تا شما را در آخرت امید بخشم (۲۹:۱۱).**

مفهوم آیه کاملاً روشن است همانطور که واضح است تبعید، سالیان دراز به طول خواهد انجامید (۲۹:۱۰، ۲۸). باید در زندگی چنان برنامه ریزی کرد که حتی برای دشمن نیز دست به دعا برداشت (۲۹:۷). این حالت و موقعیت ارمیا با واقع گرایی او سرستیز دارد و او را شخصی ناامید از پیروزی معرفی می کند (۲۹:۲۴-۲۸). البته این حیرت آور است اما ارمیا از آغاز تا انتهای موعظه اش یعنی پیش از رسیدن بدبختی، در حین و پس از آن، همواره قوم را به ایمانی بی غل و غش دعوت می کند. یقیناً این درخواست ارمیا نه توسط ساکنان اورشلیم که گریز را قبل از وقوع حادثه ترجیح می دادند و نه توسط تبعیدیان که حاضر نبودند زمان آزمایش را مقدمه ای بر پیمان نو بدانند، درک نشد

خدا و اسرائیل که به تدریج گسیخته می شود. چنانچه قوم به بی وفایی خود ادامه دهد آینده ای همانند آن کمر بند خواهد داشت؛ اما قوم هنوز می تواند با عوض کردن رفتار خود و بازگشت به سوی خدا، دوباره به خدای خویش بپیوندد.

اما در این روایت این مسئله ای مطرح می شود که ارمیا چگونه توانسته دوبار به این مسافت ۱۲۰۰ کیلومتری تا رود فرات تن در دهد؟ شاید او نام رود را به بازی گرفته است و منظورش، پرات (به زبان عبری) بوده است که نام دره ای در چند کیلومتری عناتوت یا همان «عین فرا» ی کنونی می باشد. در هر حال بابل عامل اصلی انحطاط اسرائیل است و بعدها بنی اسرائیل به آنجا تبعید خواهند شد.



ارمیا نزد کوزه گر.

تصویر برگرفته شده از کتاب مقدس ژرون

## حرکات نمادین، زبانی نبوتی

روزی ارمیا از خداوند فرمان یافت تا برای خود یوغی بسازد و برگردن خود نهاده میان مردم ظاهر شود و به همین صورت به حضور صدقیای پادشاه برود و بگوید: امتی که گردن خود را زیر یوغ پادشاه بابل بگذارند و او را خدمت نمایند خداوند می گوید که آن امت را در زمین خود ایشان مقیم خواهیم ساخت (۱۱:۲۷). با آنکه ارمیا از سوی خدا سخن می گوید اما پیام تسلیم به دشمن سخنی بسیار سخت و باور آن مشکل است. ارمیا برای اهمیت بیشتر بخشیدن به کلامش آینده قوم یعنی فرمانبرداری اجتناب ناپذیر اهالی یهودا به بابل را تقلید می کند. ارمیا پیامهای دیگری را نیز از طریق حرکات نمادین به قوم رسانیده است که ذیلاً چند پیام را نقل می کنیم.

### کمر بند پوسیده (باب ۱۳)

این حرکت نمادی هرچند غیر عادی اما بسیار گویا و پرمفهوم می باشد. ارمیا کمر بندی گران قیمت از کتان که صاحب منصبان و اشراف به کمر می بندند برای خود تهیه می کند. آنگاه پس از آن که به فرمان خدا آن را چند صبحی به کمر بست، می رود و کمر بند را در شکاف مرطوب صخره ای در ساحل فرات می گذارد. پس از مدتی چند خدا ارمیا را برای آوردن کمر بند به فرات می فرستد همان طور که انتظار می رفت کمر بند زیبا پوسیده و از بین رفته بود. ارمیا این حرکت نمادین خود را این گونه توضیح می دهد: خداوند بنی اسرائیل را همانند کمر بندی زیبا به خود بسته بود. اما آن کمر بند از کمر صاحب خود باز شده در آبهای بابل افتاده و پوسیده است. بنابراین بنی اسرائیل با دور شدن از خدای خویش به سوی نابودی و نیستی می روند. حرکت نبی به همان نسبت که زمان پیش می رود نمادی تر می شود؛ درست به مانند عهد بین

### خرید مزرعه (۳۲:۶-۱۵)

این روایت صحنه‌ای از زندگی عادی و روزمره است که تبدیل به نمادی از آینده اسرائیل می‌شود. پسر عموی ارمیا ضمن ارزیابی موقعیت آن زمان و با توجه به حق بازخرید برزمینی که او می‌خواهد تفکیکش نماید از ارمیا می‌خواهد زمین را بازخرید نماید. بازخرید زمین توسط یک نبی کاری بسیار غیر عادی و از دید انسانی کاری بس غیر محتاطانه بود زیرا ارتش بابل در اطراف اورشلیم اردو زده و آینده بسیار مبهم بود. زمان برای خرید و فروش زمین مناسب نبود! ارمیا که از سوی خدا اضمحلال قریب الوقوع را اعلام می‌کرد حال از سوی همان خدا برای باور به آینده دعوت شده است. آیا خدا می‌تواند ضد و نقیض بگوید؟ تو ای خداوند یهوه به من گفתי که این مزرعه را برای خود به نقره بخر و شاهدان بگیر و حال آنکه شهر به دست کلدانیان تسلیم شده است! (۳۲:۲۵).

### مفهوم حرکات نبوتی

این حرکات، روشهایی رایج برای ایجاد ارتباط در کتاب مقدس بخصوص در کتاب ارمیا می‌باشند. گاه این حرکات نمادی مربوط به زندگی خود نبی می‌شوند مثلاً "تجرد ارمیا یا ازدواج هوشع با یک فاحشه (هوشع ۱:۲-۹): حتی می‌توانند مربوط به خانواده نبی نیز باشند (اشعیا ۸:۱-۴). اما اغلب در رابطه با اشیای نمادی می‌باشند. یکی از مفسرین، ۳۳ حرکت نمادی را در تمام کتاب مقدس برشمرده است (با در نظر گرفتن حرکت آغابوس در قیصریه در کتاب اعمال ۲۱:۱۰-۱۲).

از آنجا که خدا این حرکات را به نبی الهام می‌کند پس می‌توان گفت حرکاتی مؤثر می‌باشند. کلام خدا که همراه این حرکات است آنها را از جادو یا هر عمل دیگری که بتوان این حرکات را به آنها تشبیه کرد، مبری می‌سازد. حرکات نبوتی گفتگوهای دوجانبه بین خدا با نبی اش و توسط او با قومش می‌باشند. وقتی که کلام دیگر اثری نبخشد و بحران به حدی برسد که ارتباط قطع شود، خدا این

### تجرد ارمیا (باب ۱۶)

این حرکت نمادی مربوط به زندگی شخصی خود نبی و نوعی زندگی دائمی است. در واقع خدا از او می‌خواهد زندگی متفاوتی با زندگی دیگران داشته باشد و از ازدواج و پدر شدن صرف نظر نماید. ارمیا با وفاداری به خدای خویش، تنهایی و بی باری و بی ثمری را می‌پذیرد تا آیت زنده‌ای و همیشگی باشد برای هم عصران خویش که در فراموشی و بی‌قیدی گمراه شده‌اند. ارمیا با این عمل در واقع زمان عزلت و بی باری را که همان تبعید است به ایشان اعلام می‌دارد، تبعیدی که چنانچه بنی اسرائیل همچنان به امتناع از بازگشت کامل به سوی خداوند ادامه دهند سرنوشتشان خواهد بود.

### کوزه شکسته (باب ۱۹-۲۰:۶)

این حرکت نمادین در دره ابن هنوم که از جنوب و غرب اورشلیم را در برمی‌گیرد به نمایش گذاشته می‌شود. این دره به دره قتل مشهور است چرا که گاه به گاه کودکان بی‌گناه را در آن قربانی می‌کردند (ر.ک. ارمیا ۷:۳۱-۳۲). این عمل وحشتناک نشان می‌دهد که بنی اسرائیل عهد خود با خدا را شکسته‌اند. پس ارمیا باید کوزه‌ای را بشکند تا نشان دهد که خدا نیز به نوعی که کسی کوزه کوزه‌گر را می‌شکند و آن را دیگر اصلاح نتوان کرد همچنان این قوم و این شهر را خواهد شکست (ارمیا ۱۹:۱۱). از آنجا که این حرکت به فرمان خداست پس باید انتظار آن را داشت چرا که خدا به گفته اش عمل می‌کند. این حرکت، یادآور جادویی بسیار معمول در مصر بود. در آن روزگار در مصر نام دشمنان را بر کوزه‌ای می‌نوشتند و سپس با لعن و نفرین کوزه را می‌شکستند تا نابودی و اضمحلال دشمن را باعث شوند. در اینجا خدا به اختیار و آزادی کامل نتایج غیر قابل اجتناب شکست عهد را این چنین اعلام می‌دارد: تبعید و نابودی اورشلیم نتیجه آن خواهد شد.

## « حکم مرگت را امضاء کردی! »

شخصی به نام اوریا وجود داشت که هیچ‌گونه شانس برای زنده ماندنش باقی نمانده بود زیرا سخنانش به گوش پادشاه و وزرایش رسیده و ایشان تصمیم به قتلش گرفته بودند. اوریا از این قصد آنان آگاه شد و به مصر فرار کرد. دسته‌ای سرباز در پی او روانه شد و او را از مصر باز آورد. شاه، اوریا را به محض رسیدن فی المجلس اعدام کرد، جسدش در قبرستان عوام الناس انداخته شد. باید این مرد را ساکت می‌کردند چرا که همانند ارمیا علیه شهر و سرزمینش نبوت کرده بود (ارمیا ۲۶: ۲۰-۲۴). نام مجرم واقعی یعنی ارمیا آشکار می‌شود. سرانجام وحشتناک اوریا برای ارمیا نیز رقم زده شده بود اما او دوباره گریخت، ولی به چه قیمت!؟

### مرگ پرسه می‌زند

با مطالعه چند بابی از کتاب ارمیا که فعالیت‌های او را توصیف کرده‌اند این احساس به آدمی دست می‌دهد که مرگ در اطراف نبی پرسه می‌زند. بسیاری اشخاصی که در پی مرگ او می‌باشند. از جمله هم ولایتیهایش یعنی ساکنین عناتوت، نزدیکان و اقوامش و تهدیدشان آشکار و مشخص است: **به اسم خداوند نبوت نکن که به دست ما کشته خواهی شد** (۱۲: ۱۱). کاهنان و دیگر انبیا نیز می‌گویند: البته خواهی مرد (۸: ۲۶). پس به سوی رؤسای قوم می‌روند و درخواست قتل او را می‌نمایند (۱۱: ۲۶). یهو یاقیم پادشاه نسبت به ارمیا بدگمان است و خواهان نابودی اوست. در زمان محاصره اورشلیم وقتی حلقه محاصره اندکی باز شد ارمیا برای خرید مزرعه‌ای در نزدیکی عناتوت از شهر خارج شد. نگهبانان به خیال اینکه او می‌رود تا به دشمن ملحق شود دستگیرش ساختند. وزرا محکومش کردند: تا این مرد کشته شود زیرا که بدین منوال

روش‌های بیانی شگفت و محرک را انتخاب می‌کند. بدین ترتیب نبی گفتگویی را برقرار می‌سازد: حرکت تبدیل به زبان می‌شود و گفتگو میان خدا و قوم ممکن می‌شود (بازگشت به سوی خدا امکان پذیر می‌گردد).

### استعاره‌های ارمیا

این حقیقت که ارمیا یک روستایی زاده است از استعاره‌هایی که در الهاماتش به کار برده پیداست.

این فهرست حیواناتی است که ارمیا در الهاماتش از آنها نام می‌برد: عقاب، الاغ، شغال، ناقه، اسب، حاجی لك لك، کبوتر، ملخ، اسب، ماده گوساله، پرستو، مادیان، شیر (۴ کلمه مختلف) روباه، گوسفند و بره (۹ کلمه)، گورخر، ببر، کبک، باز، ملخ، مار، خرمنگس، گاونر، قمری، گوساله، افعی؛ بدون اینکه چوپان، شکارچی، شکارچی پرنده، صیادان قلم انداخته شوند.

فهرست گیاهان و محصولات کشاورزی: خرمن، درخت بادام، درخت-درختچه، شاخه، غلات (۵ کلمه)، مزرعه، خار، مترسک، درخت انجیر، جنگل، کود، جوانه، باغ، درخت زیتون، نوبر محصول، دروگر، انگورچین، تاک، شراب (۴ کلمه).

اورشلیم خواهد شد. اما ارمیا با فراست خویش درمی یابد که ارتش بابل با قدرت خود تمام منطقه را درخواهد نوردید و مقاومت در برابر آن بی فایده است. پس تسلیم و فرمانبرداری از نبوکدنصر را توصیه می کند. پس از اشغال شهر، نبوکدنصر به رئیس جلادان خود می گوید: **او را بگیر و با او نیک متوجه شده هیچ اذیتی به وی مرسان بلکه هر چه به تو بگوید برایش به عمل آور** (۱۲:۳۹). همفکری با دشمن قابل اغماض نیست.

### و اگر او واقعاً نبی باشد؟

نبی به مرگ محکوم شده اما هیچ کس نمی خواهد مسئولیت اعدام او را به عهده گیرد. بعلاوه مورد حمایت خانواده ای دوست یعنی شافان قرار گرفته است. درواقع از روایات چنین پیداست که ارمیا موجب هراس قوم است. قوم از خود می پرسد اگر او یک نبی حقیقی باشد چه؟ و قوم به خود می گوید: **این مرد مستوجب قتل نیست زیرا به اسم یهوه خدای ما، به ما سخن گفته است** (۱۶:۲۶). ریش سفیدان قوم به یاد می آورند که پیش از این میکا نیز بدبختی را اعلام کرده بود و هیچ کس او را به قتل نرسانده بود! (۱۹:۲۶). **اگر کلام آن نبی واقع گردد آنگاه آن نبی معروف خواهد شد که خداوند فی الواقع او را فرستاده است** (۹:۲۸). پس با ارمیا باید محتاط بود!

### روایات

ارمیا حقیقتاً "نبی بزرگی بود و صحت و درستی سخنانش تأیید شده اند. اعتقاد و ایمان نگارندگان روایات ارمیا به او باعث شده تا سخنان وی را در مجموعه الهاماتش نوشته و به ایمانداران بنی اسرائیل منتقل سازند. این نگارندگان چهره ای حقیقی از نبی خدا ترسیم کرده اند، نبی که در هر موقعیت اتفاقات را می پذیرد و بی جهت به تکرار مکرر سخنان اطمینان بخش خدا در گذشته نمی پردازد. رسالتش او را ملزم می سازد تا بگوید که عهد با خداوند خدا

دستهای مردان جنگی را که در این شهر باقی مانده اند و دستهای تمامی قوم را سست می کند زیرا که مثل این سخنان به ایشان می گوید زیرا که این مرد سلامتی این قوم را نمی طلبد بلکه ضرر ایشان را (۴:۳۸).

شاه در خفا به دیدن ارمیا رفته، او را نصیحت می کند و جاننش را در ازای شرطی به او می بخشد: **زنهار کسی از این سخنان اطلاع نیابد و نخواهی مرد** (۲۴:۳۸). ارمیا در سیاه چالی مملو از گل و لجن انداخته می شود و در آنجا به انتظار مرگش می نشیند. ارمیا در آخرین لحظات توسط یک خواجه سرای بیگانه که شفاعت او را نزد پادشاه می کند نجات می یابد: او در جایی که هست از گرسنگی خواهد مرد! پادشاه امر فرموده گفت: **ارمیای نبی را قبل از آنکه بمیرد از سیاه چال برآور** (۶:۳۸-۱۳). چرا ارمیا را که توانست از مرگی که بی وقفه تهدیدش می کرد برگریزد سرزنش کرده اند؟

### ارمیا روحیه قوم را می شکند

سخنان ارمیا باعث زحمت، از بین رفتن روحیه و فاجعه ساز می باشند. همین دلایل برای سر به نیست کردنش کافی می باشند. ارمیا متهم به پذیرش شکست شده است، امری که با منطق زمان جنگ سازش نمی کند. آیا ارمیا این سخن خدا را که پیش از این به اشعیا گفته شده، از یاد برده است: **زیرا که این شهر را حمایت کرده به خاطر بنده خویش داود آن را نجات خواهم داد** (اشعیا ۳۷:۳۵). کاهنان با توجه به این سخن می اندیشیدند که اورشلیم و هیکلش مورد حمایت خدا و به دور از تهاجم و استیلای بیگانه است. ارمیا می خواست آنان را از این توکل اشتباه برحذر دارد. وعده خدا به هیچ وجه خودکار و بی اراده نیست بلکه برای رسیدن به وعده باید طبق مقتضیات عهد زندگی کرد. **فریاد هیکل یهوه!** **هیکل یهوه** (ارمیا ۷:۴) کاملاً بی فایده است.

بعلاوه ارمیا متهم به همکاری با دشمن شده است. اغلب همکاران نبی اعلام می دارند که در صورت اتحاد با مصر علیه بابل خوشبختی و پیروزی نصیب

## خدا محاکمه می شود اعترافات ارمیا

به هنگام بروز حادثه ای ناگوار، ایماندار همیشه از خود می پرسد: خدا کجاست و چه می کند؟ چگونه می توان بی عدالتی و موفقیت بدکاران، بدبختی، بیماری، جنگ و زمین لرزه را درک کرد؟ چگونه می توان حضور یک قربانی بی گناه را تحمل کرد؟ انسان امروز در مواجهه با آزمایشی که از توضیح آن عاجز است وجود خدا را زیر سؤال می برد. از نظر نبی اسرائیل، بخصوص از نظر ارمیا، خدا نمی تواند وجود نداشته باشد اما امکان دارد خدا نیز شخصی که او را ترک کرده، ترک کند و در نتیجه دیگر مسئله نبی بودن مطرح نیست. او خدا را به محاکمه می کشد تا کار خود را توجیه کند.

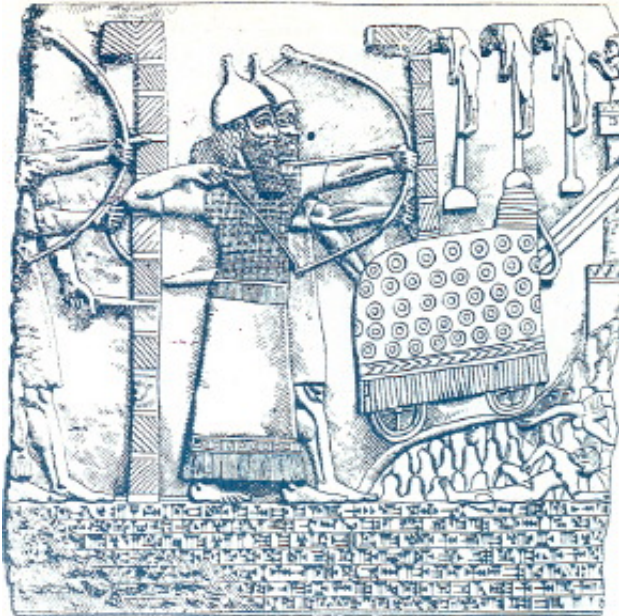
متون بسیاری در کتاب مقدس از جمله اعترافات ارمیا همانند روایت یک محاکمه به نظرمی رسند. چقدر بی معنی است که آنها را همچون مرثیه و نندبه به حساب آورد زمانی که موضوعشان اعتراض شدید علیه رنج و فریادی بسوی خدا است تا این جهان، تبدیل به زمینی قابل سکونت برای همه و این حیات، یک زندگانی شایسته شود. در کتاب ارمیای نبی ۵ متن در بابهای ۱۱-۱۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰ متون اعترافات نامیده شده اند که سه متن از این متون در اینجا مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

### رنج عادلان،

### خوشی شریران (۱:۱۲-۵)

ارمیا خطاب به خدا می گوید: ای خداوند تو عادل هستی. ارمیا با بیانی گرم و جذاب از خدا دادخواهی می کند: شکایتی علیه تو دارم... با تو سخنی دارم.

برای نجات قلوب است و نه یک بنا از قبیل هیکل یا پادشاهی و یا حتی کشور. سنتها باید تصحیح و با مقتضیات روزگار منطبق شوند تا سخن امروز گردند. کاهنان، انبیا و شاهان آن عصر اورشلیم از درک این امر قاصر بودند اما خوانندگان کتاب ارمیا دیگر هیچ عذری ندارند.



آشوریهایی قبلاً اورشلیم را در سال ۷۰۱ قبل از میلاد به محاصره درآورده بودند. ارمیا اعلام می کند با بلیهاهمین کار را خواهند کرد. نقش برجسته آشوریهایی متعلق به قرن هشتم قبل از میلاد.

خدا، انزوا و تنهایی اش را شرح می دهد تا آنجا که به مرز کفرگویی می رسد: **تو برای من مثل چشمه فریبنده و آب ناپایدار خواهی شد.**

این، مبارزه ای روحانی است که شخص دعا کننده درگیر آن است. مبارزه ای که شخص در طی آن هم خدا را باور دارد و هم باور ندارد، مبارزه ای که شخص در عین ضعف و ناتوانی، توانایی بسیار دارد چرا که به ضعف خود پی می برد. ارمیا به شیوه ای مؤثر و هیجان آور موجودیت خود را بیان و تأیید می کند: یک زندگانی سوا، زندگانی بی ثمر یک نبی... آنگاه خدا با رجوع دادن به دعوتش، به وی پاسخ می دهد: **اینک کلام خود را در دهان تو نهادم (۹:۱): تو مثل دهان من خواهی بود (۱۹:۱۵).** و اما نبی چه پاسخی می دهد؟ خدا که در صحرای سینا خود را همانند **خداوند خدای رحیم و رؤوف و دیرخشم و کثیر الاحسان و وفا (خروج ۳۴:۶)** ظاهر ساخت باید به این خدا وفادار بود و به هنگام دوری از او بایست به سوی او بازگشت نمود. ارمیا نیز به این بازگشت فرا خوانده شده است. توجه داشته باشید که چگونه سه مرتبه از فعل بازگشت در آیه ۱۹ استفاده شده است.

ارمیا نمی بایست از توهین و بی احترامی یا از دورماندن از خدا هراس به دل راه دهد. به عنوان حامل کلام، این ثبات و وفای اوست که دیگران را به خود جلب می کند. برای او تسلیم و برکنار وجود ندارد بلکه وعده «تزلزل ناپذیری». دعای ارمیا اجابت می شود: **تو را از دست شریران در شادی از بازگشت خواهیم رهانید زیرا خدا می فرماید: برای نجات دادن و رهانیدن تو با تو هستم.**

### مبارزه ایمان (۷:۲۰-۱۸)

ارمیا کوزه ای را در انتظارعمومی می شکنند تا نشان دهد که خدا به همان ترتیب اسرائیل و شهر اورشلیم را خواهد شکست. این حرکت نبوتی باعث مجازاتش می شود (۲:۲۰). پس او را در ملاءعام به چوب می بندند. متن این آخرین اعتراف، با سرود ستایشی که نگارنده شاید برای کاستن از شدت خشونت دعا آن را در اینجا قرار داده، به دو بخش تقسیم شده است. اما بودن

ارمیا شاکي و خدا متهم است. ارمیا مشکلی را که بر روح اسرائیل سنگینی می کند، یعنی رنجعادلان و شادی شریران را از زاویه رنج و زحمت شخصی خود مطرح می سازد. انسان در این گفتگوی رودر رو جرأت می ورزد خدا را استیضاح نماید؛ ارمیا شکایت خود را در مورد کل هستی بسط می دهد: زمینی را که آفریده ای نگاه کن: **تا به کی ماتم خواهد نمود و گیاه تمامی صحرا خشک خواهد ماند... حیوانات... تلف شده اند.** فاجعه جنبه جهانی به خود می گیرد و خدا همچون خالقش، تقصیراتش بیشتر می شود.

خدا در آیه پنجم به ارمیا پاسخ می دهد که باید بر طاققت تر از اینها باشد چرا که حقیقتاً هنوز چیزی ندیده است! این آزمایش عادل است که ایمانش، در کشوری که در حال جنگ (آنچه اسبها القاء می کنند) است یا در خطری (مانند رودهای اردن)، محک زده شود و نه در کشوری در حال صلح که حفظ و نگهداری ایمان در آن سرزمین کاری سهل و ساده است. خدا توضیحی اطمینان بخش یا تسلی آرام بخش یا حتی وعده ای برای آینده ای بهتر نیز نمی دهد. خدا اعتمادی قاطع و مستحکم را می طلبد (۱۷:۱) و ارمیا را به ایمانی سخت و محکم دعوت می کند. زیرا که هم برادرانت و هم خاندان پدرت به تو خیانت نمودند و ایشان نیز در عقب تو صدای بلند می کنند و پس اگر چه سخنان نیکو به تو گویند ایشان را باور مکن.

### مبارزه ای درونی (۱۵:۱۰-۲۱)

این روایت یکی از باارزش ترین روایات برای شناخت ارمیاست چرا که تزلزل دردناک مردی را در مبارزه درونی با خود نشان می دهد. درست همانند مجروحی با جراحت شدید که مادرش را فرا می خواند تا شاهد وی گردد: **همه مرا لعنت می کنند.** از آنجا که به وی توهین و بی احترامی شده خود را تیره بخت می داند. از خدا می خواهد به جای اینکه اینقدر نسبت به آنان صبور باشد انتقامش را از آنانی که او را بی قدر و منزلت ساخته اند بگیرد. ارمیا برای متقاعد ساختن



این سرود در این قسمت، امکان درک این مطلب را نیز میسر می‌سازد که انسان نوامید همان انسانی است که می‌تواند عصیان خود را کنار گذارده و به دعا گوش فرا دهد و دعوت به ستایش را بپذیرد.

**تو مرا فریفتی!** ارمیا خدا را متهم می‌کند که از جوانی او سود برده او را فریفته است درست همانطور که از دختر جوان سوءاستفاده می‌کنند: این عبارت در خروج ۲۲:۱۵ و داوران ۵:۱۶ نیز در همین مفهوم به کار گرفته شده است. ارمیا که به جهت گفتن کلام خدا تنبیه شده خود را مورد غضب خدا و خلق می‌یابد. **آری من زیاد خوش باور بودم!** او که فریفته شده در عین حال خود را فریب می‌دهد. دست آخر آیا او نیز یک پیامبر دروغین، یک پیامبر خیالی نیست؟ بنی اسرائیل در آستانه تبعید است؛ جسم ارمیا در رنج است و روحش مدام اعتراض می‌کند و در این حال است که مقاومت می‌کند: **در دل من مثل آتش افروخته شد و در استخوانهایم بسته گردید از خودداری خسته شده باز نتوانستم ایستاد.** او می‌خواهد خدا را فراموش سازد اما جسمش خدا را به یاد او می‌آورد.

دعای ستایش پیش از آغاز دومین فریاد، آیینی است مانند خواندن مزامیر (۱۴:۲۰-۱۸). این دعا بدون اعلام اعتمادی که سرانجام بدست می‌آید پایان می‌پذیرد. ارمیا روز تولدش را نفرین می‌کند و مرگ را برای فرار از دعوت خدا ترجیح می‌دهد و میل ندارد شهرهایی را ببیند که خداوند می‌شکند، درست همانطور که او کوزه‌ای را شکست. یا در واقع میل ندارد این جنگ را که نتیجه‌ای جز شکست ندارد ببیند. این متن هیچ پاسخی به ما نمی‌دهد. خدا سکوت کرده است. چگونه می‌توان به باغ جتسیمانی نیندیشید؟

مردان خدا همواره در مزمور ۷۳ تأمل کرده‌اند: **دل من تلخ شده بود و در اندرون خود دل ریش شده بودم. من وحشی بودم و معرفت نداشتم و مثل بهایم نزد تو گردیدم ولی من دائماً با تو هستم.** ادامه تاریخ شاهدهی بر حضور خداوند است. ارمیا تا انتهای راه خود رفته است. عیسی راه را بر ما گشود.



تا زمانی که دلی اندوهگین و جگری پاره داشتم مانند حیوان بودم اما با تو بودم.

مجسمه‌ای از آگوست رودن Auguste Rodin به نام فریاد



سالها بعد وضع در حکومت یهودا نیز بهتر از این نبود. بازسازی و اصلاحات یوشیا به مدت ۱۲ سال دورخیزی بلند داشتند اما به محض مرگ ناگهانی پادشاه به سال ۶۰۹ تمام تلاشها برای بازگشت به سوی خدا متوقف شد و آیین بت پرستی در هر گوشه و کناری پدیدار گشت. این وضع برای ارمیا سرخوردگی کشنده بود و می گفت: قطعاً، قوم خدا به درجات بالا نخواهد رسید! آیا حبشی پوست خود را تبدیل تواند نمود یا پلنگ پیسه های خویش را؟! آنگاه شما نیز که به بدی کردن معتاد شده اید نیکویی توانید کرد! (۲۳:۱۳)؛ گناه یهودا به قلم آهنین و نوک الماس مرقوم است و بر لوح دل ایشان... منتقوش است (۱:۱۷). بدی شدت بسیار یافته است: عهد هیچگاه نمی تواند با این قوم به نتیجه برسد، مگر اینکه...

## تحول درونی انسان

... مگر اینکه خدا دل ایشان را متحول سازد: شریعت (تورات) خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود (آیه ۳۳). آنچه را انسان قادر به انجامش نیست خدای خالق قادر به انجامش می باشد. چگونه؟ آیا باید انسانهای دیگری را که جاهل به بدی و نتیجتاً جاهل به آزادی باشند بیافریند؟ سرانجام بنی اسرائیل چه خواهد شد؟ نه! عهد جدید که ارمیا آن را اعلام کرده، بی کم و کاست با بنی اسرائیل منعقد می شود. اما رابطه بین خدا و قومش تغییر خواهد کرد. عهد آینده عهدی مشروط نخواهد بود بلکه عهدی رایگان و غیر شرطی و تنها مبتنی بر اراده خدا برای نجات و حیات اسرائیل خواهد بود هر چند اسرائیل بی وفا و ناشایست باشد. چگونه؟ از این پس شریعت خدا بر لوح سنگی حک نخواهد شد بلکه بر قلب انسان که مأمن امیال، اندیشه و تصمیم گیری است، حک خواهد شد. این عهد تنها در اندرون انسان گذاشته نخواهد شد بلکه به او داده خواهد شد. برقراری رابطه با خدای عهد از طریق نبی و یا کاهن نخواهد

## عهدی نوین (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴)

بابهای ۳۰ و ۳۱ کتاب ارمیا از آنجا که تنها بابهایی می باشند که امید و نجات را اعلام می دارند به مانند واحه ای سرسبز در بیابان کتاب ارمیای نبی به نظر می رسند. شگفت اینکه ارمیا در اینجا بنی اسرائیل را مخاطب می سازد و نه ساکنین یهودا را؛ پس می توان نتیجه گرفت که خطاب ارمیا به اهالی حکومت قدیمی شمال بوده که در سال ۷۲۲ توسط آشوریهها فتح شده بود و بعدها توسط یوشیا، پادشاه یهودا، بازپس گرفته شد. آیا ارمیا در این سالهای بازسازی که از سال ۶۲۲ آغاز گشته بود ایمانداران حکومت شمالی را برای اتحادی دوباره در عهد گرداگرد اورشلیم دعوت می کند (۶:۳۱)؟ در هر حال بعدها این الهامات در مورد یهودا گفته شده اند (ر.ک ۳۱:۳۱).

## عهد شکسته شده

الهام ۳۱:۳۱-۳۴ با اعلام «عهد نوین» آغاز می شود. این تنها متن عهد عتیق است که از عبارت «عهد نوین» که اهمیتی عظیم خواهد داشت استفاده می کند (آیه ۳۱). چرا عهدی نوین؟ برای آنکه اولین عهد، عهد کوه سینا، شکسته شده است: عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم زیرا که ایشان عهد مرا شکستند با آنکه خداوند می گوید من شوهر ایشان بودم (آیه ۳۲). این عهد دارای شرایطی بود؛ خدا در این عهد خود را نسبت به اسرائیل متعهد ساخته بود چنانچه اسرائیل وفادار باشد و شریعتش را نگاه دارد. امروز حیات و نیکویی و موت و بدی را پیش روی تو گذاشتم... حیات را برگزین (تثنیه ۳۰:۱۵-۲۰). اما وقایع حاکی از بی وفایی بنی اسرائیل می باشند و حکومت شمال به دلیل از دست دادن ایمانش به خدا مضمحل و نابود گشت.

عهد نوین است چرا که وقتی خدا عهد تازه ای می بندد این عهد، عهدی قطعی است (ارمیا ۳۲: ۴۰؛ ۵: ۵۰).

آنچه ارمیا همانند تنها راه حل ممکن پیش بینی کرده بود روزی تبدیل به یقین خواهد شد. در یکی از شبهای بهاری سال ۳۰، عیسی در خانه ای در اورشلیم طی آخرین شام خود به دوستانش خواهد گفت: این پیاله عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید به یادگاری من بجا آرید (اول قرنیتیان ۱۱: ۲۵).



ارمیا شهر بابل را به یهودیان اسیر نشان می دهد که می بایستی به آنجا برده شوند.

نسخه خطی در کتابخانه قدیس ژونویو Sainte-Geneviève

بود: زیرا جمیع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد (آیه ۳۴). تا آنجا که که خدا از انسان توقع دارد، خیال واهی است بایستی خدا به انسان آن چیزی را عطا کند که توسط آن بتواند خدا را بشناسد و به او پاسخ دهد: ایشان را یک دل و یک طریق خواهم داد... ترس خود را در دل ایشان خواهم نهاد تا از من دوری نوزند (۳۲: ۳۹-۴۰).

### عهدی مبتنی بر بخشش

برای آنکه انسان اصلاح شود خدا باید رابطه اش را با او «تغییر» دهد؛ پس سرانجام به جای نفرین که گناهکار را تهدید می کند بخشش اعلام می شود. سفر تثنیه بسیار خوش بین هستند که می انگارد، انسان خود، حیات و نیکویی و بالاخره وفاداری به خدا را برخواهد گزید. ارمیا واقع بین تر است و می گوید: خوش بینی کافی نیست. انسان می تواند به خود بدی روا دارد و از آن رنج و زحمت ببیند؛ اما نمی تواند خود را از آن رها سازد. تنها خدا می تواند نجات و رهایی یا به عبارتی بخشش را به وی بدهد. غیرممکن است بتوان با روش حساب کردن و مجازات ادامه داد چرا که انسان همواره بازنده خواهد بود.

خدای ارمیا برای شکستن زنجیر شریعت-گناه-مجازات، عهدی نوین را ابداع می کند؛ عهدی که شریعت در آن تبدیل به اشتیاق به آنچه خدا می خواهد می شود، یعنی روح خدا در روح آدمی می شود. حزقیال نیز در سالهای بعد همین پیام امید و بخشش را اعلام خواهد کرد: شما را از همه نجاسات و از همه بتهای شما طاهر خواهم ساخت. دل تازه به شما خواهم داد و روح تازه در اندرون شما خواهم نهاد... روح خود را در اندرون شما خواهم نهاد و شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید تا احکام مرا نگاه داشته آنها را به جا آرید (حزقیال ۳۶: ۲۵-۲۷). ارمیا از عهدی جاودان سخن می گوید که منظور همان

و قوم یهودا خطاب شده اند. گاه خود ارمیا اتفاقاتی را که بر وی گذشته و احساسات و تجربه روحانی اش (شادی و مشکلات نبی بودن، ناامیدها، شکایتها و به عبارتی اعترافات مشهور ارمیا) را حکایت می کند. شاگردانش نیز روایات مراحل مختلف زندگانی او را بر این نوشته ها افزوده اند. سرانجام در سالهای تبعید و پس از آن این کتاب را بازخوانده و پیامش را برای درک بهتر با وضعیت خود تطبیق داده اند؛ مثلاً رویای دو سبد انجیر (۲۴).

❖: تبعیدیانی که سخنان ارمیا را پیش از سقوط اورشلیم شنیده بودند باید آنها را پس از سقوط اورشلیم به خاطر آورده باشند؟ پس از وقوع این حوادث چه می اندیشیدند؟

⊕: تبعیدیان به خوبی سخنان او را به یاد آوردند و نسخه جدید دیگری از کتاب او تهیه کردند. آیا ارمیا اضمحلال حکومت یهودا و فرمانبرداری از بابل را موعظه نکرده بود؟ تهدید به تنبیه به واقعیت پیوسته بود. پس از پیامهای ارمیا و حننیا (۱:۲۸-۱۱) اتفاقاتی رخ می دهند که ثابت می کنند ارمیا، نبی حقیقی است؛ اوست که سرانجام وقایع و مفهوم آنها را از پیش اعلام کرده بود. اونبی شبیه موسی است (تثنیه ۱۸:۱۸) بنابراین الآن برای فائق آمدن بر بحرانی که نتوانستند از آن بگریزند می باید به پیامش گوش فرا دهند.

یقیناً تبعیدیان سخنان امیدوارکننده نبی را بازخوانی و در آنها تعمق کرده اند. خدا امر تازه ای در جهان ابداع کرده است (۲۲:۳۱). مزرعه ای که ارمیا کمی پیش از سقوط اورشلیم از پسر عمویش خرید (۳۶:۶-۱۵) نشانه ای دلگرم کننده است که یکبار دیگر خانه ها و مزارع در یهودا خرید و فروش خواهند شد. قوم تبعید شده دوباره در سرزمین خود گرد خواهد آمد و باز هویتش را بدست خواهد آورد؛ ایشان قوم من و من خدای ایشان خواهیم بود. ضمن انتظار آن ایام، باید بنابه نامه ای که ارمیا برای ایشان فرستاده، خود را برای سالهای طولانی تبعید در بابل آماده نمایند (۲۹:۴-۷).

❖ آیا ارمیا جایگاهی مهم در سنت یهود دارد؟

## يك مرد ، يك كتاب

### مصاحبه با ژوئل فری ، از اساتید انستیتو کاتولیک پاریس

❖: ارمیای نبی حدود سال ۶۰۰ پیش از میلاد نبوت کرده و امروزه می توان سخنان او را در کتابی مطالعه کرد. چه کسی سخنان ارمیا را به رشته تحریر در آورده است؟

⊕: به سال ۶۰۵ ارمیا پس از یک سری سخنرانی که باعث انزجار قوم شد، حق سخنرانی و موعظه در هیکل را از دست داد. از همین روز بنا به دستور خدا، او سخنانی را که خدا در مورد اسرائیل، یهودا، و تمام ملل به او می فرمود به باروک کاتب دیکته کرد و سپس او را فرستاد تا طومار را در هیکل بخواند. طومار از باروک گرفته شد و یهو یاقیم پادشاه طومار را پاره کرده سوزانید. بعدها ارمیا در سال ۶۰۱ باز طومار جدیدی به کاتبش دیکته کرد. باروک در تمام مدت رسالت ارمیا (باب ۳۱ و ۴۵)، جز هنگام تبعیدش به مصر در ۵۸۶، او را همراهی کرده است (۳:۴۶). پس باروک نقش مهمی در نگارش الهامات نبی داشته است.

کتاب ارمیا یک کتاب قطور است. آیا حقیقتاً ارمیا تمام این سخنان را ادا کرده است؟ در حقیقت این کتاب قطورترین کتاب عهد عتیق می باشد (اگر کتاب اشعیا که الهامات چند نبی را در خود جمع دارد مستثنی کنیم). کتاب ارمیا شامل ۵۲ باب و دقیقاً ۱۳۶۴ آیه می باشد! اما شما تمام این مجموعه را می توانید طی ۲ ساعت بخوانید. این کتاب قطور عهد عتیق تنها حدود صد صفحه از کتاب مقدس را به خود اختصاص داده، که البته این صفحات برای ۴۰ سال رسالت زیاد نیست!

کتاب شامل متون گوناگون است. سخنان زیادی حقیقتاً خطاب به شاه، کاهن

بدین مفهوم نیست که همه اعضای کلیسا به نبی بودن فرا خوانده شده اند.

علائمی چند، در پرتو کتاب ارمیا وجود دارند که امکان آن را فراهم می‌سازند تا بتوان نبی را تشخیص داد. نبی کسی است که مفتون و مجذوب کلام باشد، گواه بر مطلق بودن خدا و تسلط وی بر کل خلقت باشد، نبی فریادهایی را که از عمق قلب انسانها برمی‌آید می‌شنود و دردل آنها امید می‌آفریند. نبی که در میان قوم، مکان و زمان خاص خود جای گرفته و در سنتها ریشه دوانیده، شجاعت و آزادی نفی گناه و دعوت به بازگشت به سوی خدا را دارد. بارزترین مسئولیت انبیای اسرائیل افشا و نفی بی‌عدالتیها، بتها، دویدن بدنبال پول، تشویق به وفاداری به خدا و برادران... بود. حال در این قرن بیستم به عهده پیامبران مسیحی است که کلام همیشه زنده خدای عیسی را با واقعیتهای زمان منطبق سازند.

❖ آیا تصور می‌کنید شخص نبی همیشه مزاحمی است که مانند ارمیا باعث ناراحتی و ناخشنودی می‌شود؟

✚ از آنجا که کار نبی اعلام و افشای خطاهاست پس می‌توان او را کم و بیش مزاحم شمرد. عکس‌العملهای شدید مقامات یهودا در مواجهه با خطابه ارمیا (بیرون راندن او از هیکل و زندانی کردنش) بخوبی نمایانگر این امر می‌باشند. اما کلام انبیا از آنجا که کلام حقیقی است نیروی جاذبه نیز دارد. شاگردان نبی یعنی آنانی که پس از وی به منظور زنده نگاه داشتن کلامش الهاماتش را گرد آوردند و زندگانش را حکایت کردند نمونه بارزی از جذابیت کلام نبی می‌باشند.

❖ چنانچه بخواهید رساله‌ای در مورد کتاب ارمیا تهیه نمایید چه چیزی در این کتاب توجه شما را بیشتر به خود جلب می‌کند؟

✚ بیست سال پیش که برای اولین مرتبه کتاب ارمیا را به طور کامل مطالعه کردم شخصیت روحانی نبی یعنی مبارزه او با خدا از همان ابتدای دعوتش در مباحثه‌ای دائمی که تا حد سؤال و جواب بنیادی می‌رسد، مرا جلب کرد. اغلب کسانی را که

✚ اگر چه سخنان ارمیا را طی حیاتش جدی تلقی نکرده اند اما پس از مرگش او را جزء یکی از بزرگترین انبیا دانسته اند. اسرائیل پس از آن، بین سرنوشت خود از هنگام تبعید که ناچار به تحملش بود و سرنوشت نبی نوعی تلاقی و هماهنگی کشف کرد. ارمیا تأثیر بسزایی بر حدود ۳۰ مزمور داشته است. حتی توانسته اند کتاب زموری را به ارمیا نسبت دهند. کتاب ارمیا در قرن دوم پیش از میلاد جزو کتابهای قانونی محسوب شده است. بن سیراخ متن دعوت الهی ارمیا را ذکر کرده است (بن سیراخ ۷:۴۹). نامه‌ای در خصوص انکار بتها را نیز به او نسبت داده اند (باروخ ۶). کتاب دوم مکابیان نیز روایت عجیبی از ارمیا را حکایت کرده است (دوم مکابیان ۲:۱-۱۲:۱۵؛ ۱۴:۱۵-۱۵). دیگر روایات افسانه‌ای، معروفیت و اهمیت ارمیا را در ایمان و دعای بنی اسرائیل نشان می‌دهند.

❖ اولین مسیحیان در مورد ارمیا چگونه می‌اندیشیدند؟ آیا در عهد جدید از او سخن گفته‌اند؟

✚ متی در ۱۷:۲ و ۹:۲۷ از او ذکری کرده است (رک به یادداشت‌هایی برای تعمق در صفحه ۴۱). از نظر متی عیسی تنها سخنان ارمیا را تحقق نمی‌بخشد بلکه سرنوشت او را نیز به عنوان یک پیامبر به اتمام می‌رساند. در میان جمعیتی که گرد عیسی جمع شده بود برخی عیسی را ارمیا یا یکی از انبیا می‌دانستند (متی ۱۶:۱۴). چهره ارمیای رنج کشیده چهارچوبی بود برای مسیحیان اولیه تا بتوانند مرگ و سرنوشت عیسی را درک کنند. همچنین بعید نیست که مبارزه با انبیای دروغین مسیحی (متی ۷:۱۵-۲۰) اشاره‌ای باشد به مبارزه دائمی ارمیا با این انبیا.

❖ آیا در عصر حاضر نیز انبیای مسیحی ظاهر می‌شوند؟ چگونه می‌توان آنان را شناخت؟

✚ مجمع اسقفان واتیکان دوم رسالت نبوتی کلیسا را که باید بر کلام و بخصوص عیسی مسیح شهادت دهد برجسته می‌سازد. وانگهی تمام تعمید شدگان در رسالت مسیح که شاه، کاهن و نبی است، شرکت دارند. اما این

## گروههای مطالعاتی کتاب مقدس

### سیری در کتاب ارمیا

شخصیت ارمیا تمام خوانندگان را مفتون می‌سازد؛ اما کتابش کتابی قطور و پیچیده و تاریخهای وقایع آن چنان درهم است که مطالعه یکباره آن کاری است بس مشکل. و این خود دلیلی است بر این مدعا که نسلهایی که در پی نبی آمده‌اند از این کتاب بسیار استفاده کرده‌اند.

برای ایجاد و تعیین مسیری در کتاب ارمیا باید متون مشهور و مهم و بس ساده را برگزید تا بتوان شخصیت ارمیا و نکات اصلی پیامش را شناسانید. ما در اینجا دو سری متن را برای یک چنین سیری پیشنهاد می‌کنیم: در ابتدا متون لازم و واجب و سپس متون مهم...

### ♦ متون لازم و واجب

- ۱:۴-۱۹ دعوت از ارمیا (رک به یادداشتهایی برای تعمق صفحه ۴۱)
- ۱۰:۱-۲۱ یکی از اعترافات ارمیا
- ۲۶ داوری ارمیا در هیکل
- ۲۸ مبارزه با حننای نبی
- ۳۱:۳۱-۳۴ الهام در مورد عهد جدید
- ۳۶ طومار سوزانده شده بدست یهوایا قیم پادشاه
- ۱:۳۸-۱۳ ارمیا در سیاه چال

### ♦ متون مهم

- ۷:۱-۱۵ خطابه علیه هیکل
- ۱:۱۱-۱۱ حرکت مربوط به کمربند

همواره و بلافاصله جواب بلی به خداوند می‌دهند مانند سموئیل جوان، مریم، رسولان و پولس همچون نمونه کاملی از ایمانداران نشان داده شده‌اند. من مقاومت انسانی را ارمیا در برابر کلام خدا که در وی بمنزله آتشی شدیداست و نیز شور و عشقش که او را در تمام طول ۴۰ سال رسالتش مفتون می‌سازد و در عین حال رنجش می‌دهد، تحسین کرده‌ام.

اکنون من نسبت به رسالت ارمیا یعنی سخنگوی خداوند بودن در موقعیتی بحرانی سیاسی و اجتماعی، حساس تر هستم. چگونه می‌توان در این بحران آنچه باید گفت یا آنچه باید کرد تشخیص داد؟ مبارزان در بابل به ارمیا به عنوان «همکار» می‌نگریستند. معیارهای قضاوت چه بودند؟ وفای نبی که همچنان با خدا و با ایمانداران در گفتگو بود، اعلام امید به عهدی نوین در بحبوحه اندوه و پریشانی، به نبی عناتوت جنبه‌ای اسرارآمیز و در عین حال بی‌نهایت بشری داده‌اند.

### دو نسخه متفاوت از کتاب ارمیا

متن یونانی کتاب ارمیا (هفتادتنان) نسبت به متن عبری بسیار کوتاه‌تر است و حداقل ۲۷۰۰ کلمه کمتر از متن یونانی دارد. آیا ترجمه یونانی متن عبری را خلاصه کرده یا ترجمه عبری متن یونانی را طول و تفسیر داده است؟

نه. در واقع ما دو ترجمه متفاوت در دست داریم که هر کدام از یک متن عبری به عمل آمده است. یکی از دست‌نوشته‌هایی که در قمران یافت شده شامل یک متن عبری کوتاه و بسیار نزدیک به متن هفتادتنان می‌باشد که این خود گواه بر این مدعاست.

این امر ثابت می‌کند که کتب انبیا (برخلاف پنج کتاب اول عهد عتیق) طی قرون متمادی بارها و بارها بازخوانی شده و تغییراتی در آنها داده شده است.

یادداشت‌هایی برای تعمق

## دعوت الهی ارمیا (۱: ۴-۱۹)

روایت دعوت الهی ارمیا یکی از معروف‌ترین روایات کتاب ارمیاست. اغلب دو بخش از آن جلب توجه می‌کنند: اعتراض نبی جوان: «من تکلم کردن را نمی‌دانم» و استفاده از استعاره گویا و شاعرانه درخت بادام. اما حقیقتاً مطالعه دقیق این متن به زحمتش می‌ارزد. چند پیشنهاد:

### ● ۱- ساختار کلی متن (۱: ۴-۱۹)

◆ سه بخش کوتاه و بلند با یک جمله آغاز می‌شوند: «پس کلام خدا بر من نازل شده گفت» (آیه‌های ۴، ۱۱، ۱۳). بدین ترتیب جایگاه کلام خدا که کلام اول است به وضوح مشخص گردیده و نقش آن در وقایع آشکار شده است (آیه ۱۲).

◆ چنانچه آیه ۱۳ را در نظر بگیریم که می‌گوید: «پس کلام خدا بار دگر به من رسیده گفت» می‌توانیم دو رویای شاخه بادام و دیگ جوشان را یک مجموعه و آیه ۴ تا ۱۰ را مجموعه دیگر در نظر بگیریم. متن اول از دعوت الهی سخن می‌گوید و متن دوم جزئیات رسالت نبی را مشخص می‌سازد. خداوند از سویی دعوت به تکلم به اسم خودش می‌کند و از سوی دیگر بر تحقق کلامش نظارت دارد و فرستاده‌اش را که باید پیامی بسیار سخت و دشوار را برساند، حمایت می‌کند.

◆ در مرکز این متن وعده «دیده بانی» داده شده که قدرت آن در همان عبارت کوتاه به وضوح آشکار است.

◆ آیه‌های ۱۶-۱۹ از ساکنین اورشلیم و یهودا که در آیه ۱۴ ذکرشان رفته، سخن می‌گویند در حالی که آیه ۱۵ از «قبایل شمال»، سربازان بابل که از شمال

تجرد ارمیا	۱۳-۱:۱۶
ارمیا در نزد کوزه‌گر	۱۲-۱:۱۸
ارمیا در قصاص‌گاه؛ «یکی از اعترافات»	۱۳-۱:۲۰
رویای دو سبد انجیر	۲۴
نامه به تبعیدیان	۲۹
الهامات نجات	۳۱
خرید مزرعه‌ای در عناتوت	۱۵-۶:۳۲
پایان محاصره ۵۸۷	۱۴:۳۹-۱۴:۳۸
عزیمت اجباری به مصر	۷:۴۳-۴۲

این مجموعه سوای دو یادداشت تعمق بر دعوت الهی ارمیا و عیسی ارمیای

نوبین در انجیل متی، چند روش دیگر را پیشنهاد می‌کند:

- حرکت‌های نمادین (رک به مقاله حرکات نمادین، زبانی نبوتی ص ۱۷)
- روایاتی در مورد رنج و زحمت ارمیا (۲۶-۲۹ و ۳۴-۴۲) (رک به حکم مرگت را امضا نموده‌ای ص ۲۲)
- متون «اعترافات» (خدا محاکمه می‌شود ص ۲۵)

سرانجام روشی بس مؤثر در عهد جدید: ثمره الهام در مورد عهد جدید از

طریق نقل قول‌هایی از آن در عهد جدید: لوقا ۲۲:۲۰؛ رومیان ۱۱:۲۷؛

اول قرن‌تینان ۱۱:۲۵؛ دوم قرن‌تینان ۳:۶؛ عبرانیان ۸:۸-۱۲، ۱۰:۱۶-۱۷.

◆ پیام اساساً در مورد خداست. خدا در اینجا خالق، خداوند یکتا، قادر مطلق نشان داده شده است: خدایی آزاد و دخیل در تاریخ بشریت، خدایی که همگام با خادمش است و همواره به قول خود وفا می‌کند.

◆ در این متن، ارجاع به موسی همچون نمونه کامل نبی واضح و مبرهن است. متن تثبیه ۱۸:۱۸-۱۹ را با ارمیا ۱:۷، ۹ مقایسه نمایید.

◆ این روایت را با روایات دعوت الهی انبیای دیگر به خصوص اشعیا ۶ و حزقیال ۱ تا ۳ مقایسه نمایید. نقاط مشترک و نیز اختلافات را مشخص سازید.

## عیسی، ارمیایی دیگر در انجیل متی

عیسی از شاگردانش می‌پرسد: «مردم مرا که پسر انسانم چه شخصی می‌گویند؟» گفتند: «بعضی یحیی تعمید دهنده و بعضی الیاس و بعضی ارمیا یا یکی از انبیا» (مت ۱۶:۱۳-۱۴). با آنکه مرقس و لوقا نیز این گفتگوی بین عیسی و شاگردانش را نقل کرده‌اند اما تنها متی از ارمیا نام می‌برد. در حقیقت انجیل متی در شخص عیسی، نبی را نشان می‌دهد که سرنوشتش مثل سرنوشت بقیه انبیا و بخصوص ارمیای نبی می‌باشد.

### ● ۱- اشارات صریح

متی در انجیل خود دو مرتبه از کتاب ارمیا نقل قول می‌کند و یک مرتبه نیز از خود او نام می‌برد:

◆ متی ۲:۱۷-۱۸: اولین نقل قول در مورد قتل عام کودکان بی‌گناه بیت لحم بنا به امر هیروودیس است! آنگاه کلامی که به زبان ارمیای نبی گفته شده بود تمام شد: «آوازی در راه شنیده شد... راحیل برای فرزندان خود گریه می‌کند...» (ارمیا ۳۱:۱۵).

راهه روستایی است در ۹ کیلومتری شمال اورشلیم، که تبعیدیان در سال ۵۸۷

می‌آیند سخن می‌گوید. شاید این آیه ۱۵ که از محاصره اورشلیم یاد می‌کند بعدها به متن اصلی اضافه شده باشد. به هر حال آیه‌های ۱۸-۱۹ از مبارزه‌ای دیگر یعنی نبرد اهالی یهودا علیه ارمیا سخن می‌گویند. زندگانی نبی کارزاری خواهد بود و خداوند در آن کارزار در کنار نبی خواهد بود.

### ● ۲- گفتگو

این روایت، متن مکالمه‌ای با صداها نامساوی است. حرف اول و آخر در این متن حرف خداوند است.

سخنان ارمیا را در متن مشخص کنید.

آنچه خداوند، خود در مورد خود گفته است و افعالی را که خداوند فاعل آنهاست را مشخص سازید: او می‌شناسد، برمی‌گزیند، می‌فرستد، امر می‌کند، حمایت می‌کند، توان می‌دهد، رها می‌کند، کلام خود را به انجام می‌رساند، بت پرستی را تحمل نمی‌نماید.

عبارات بسیاری به وضوح نشان می‌دهند که ارمیا در خدمت شخص دیگری است و کلامی را که کلام خود وی نیست می‌شنود. کلام به وی خطاب می‌شود. او باید برای اعلام کلام و مقابله با مخالفت‌های با آن بپاخیزد. رویا بسیار محدود است. ارمیا بیش از آن که ببیند، می‌شنود.

### ● ۳- دعوت نبی

پاسخ به سؤالات سهل و ساده با مطالعه دقیق کتاب امکان پذیر و میسر است: ارمیا از سوی چه کسی؟ به سوی چه کسی؟ و برای گفتن چه چیزی فرستاده شده است؟

◆ بر جناس کلمات «درخت بادام / دیده بان» توجه نمایید: اطمینان نبی بر چه اساسی استوار است؟ (آیه‌های ۸، ۱۸، ۱۹). اطمینانی که خداوند به پیامبران خود می‌دهد اطمینانی پایدار و مستمر می‌باشد. رک به هوشع ۲۳:۱۴: اول سموئیل ۳:۱۹؛ اشعیا ۵۵:۱۰-۱۱.

## ● ۲- سخنانی که عیسی خود را بوسیله آنها باز می‌شناساند

◆ «بار من سبک است»: رابطه‌ای جدید با شریعت. متی ۱۱: ۲۸-۳۰ را با دو جمله ارمیا ۳۱: ۲۵؛ ۶: ۱۶ مقایسه نمایید. راه خوشبختی کدام است؟ ارمیا می‌گوید: خداوند آن را نشان می‌دهد؛ در انجیل متی عیسی برای یافتن راه خوشبختی مردم را دعوت به پیروی از تعالیم خود می‌کند.

### ◆ انبیای دروغین

متی نیز همچون ارمیا از انبیای حقیقی و انبیای دروغین سخن می‌گوید. متی ۲۲: ۲۳-۲۲ را از یک سو و از سوی دیگر ۳: ۱۴؛ ۱۵: ۲۷ را مطالعه نمایید.

### ◆ اورشلیم و انبیا

عیسی در متی ۲۳: ۳۷-۳۹ بر اورشلیم که انبیا را می‌کشد، او را اجابت نمی‌کند و به زودی ویران خواهد شد گریه می‌کند. به متن ارمیا ۷: ۱۲ و ۲۲: ۵-۹ رجوع کنید. عیسی با ضمیر اول شخص مفرد «من» سخن می‌گوید در حالی که ارمیا از زبان خداوند سخن می‌گوید.

متوجه شدیم که عیسی در رسالتش همچون در رنجش می‌تواند همانند ارمیایی دیگر ظاهر شود. عیسی نیز که همانند نبی عهد عتیق دلسوز قومش است باید به خاطر وفای به رسالتش و نیز به خاطر آنچه خودش هست با این قوم و رؤسای آن رود رو شود. هر دو توسط نزدیکان خود ترک و محکوم به مرگ خواهند شد. عهد نوین که ارمیا آن را در ۳۱: ۳۱ اعلام داشته در عیسی تحقق می‌یابد (متی ۲۶: ۲۸-۲۹).

قبل از عزیمتشان به بابل در آنجا جمع‌آوری شده‌اند. از آنجا که رامه در قلمرو سبت بنیامین پسر راحیل است پس این تبعیدیان پسران راحیل می‌باشند. متی از این طریق رابطه‌ای بین سرنوشت عیسی و مصائب بنی اسرائیل در زمان تبعید می‌آفریند.

این روایت را نیز می‌توان با روایت کتاب خروج ۱: ۱۵-۲۲ که قتل عام نوزادان عبرانیان به امر فرعون را نقل می‌کند، مقایسه نمود.

◆ متی ۲۷: ۹-۱۰: دومین نقل قولی که متی از کتاب ارمیا دارد در مورد بهای خیانت به عیسی و خرید مزرعه کوزه‌گر می‌باشد: «سخنی که به زبان ارمیای نبی گفته شده بود تمام گشت...»

این نقل قول را می‌توان در ارمیا ۱۸: ۲-۳؛ ۱۹: ۱-۲؛ ۳۲: ۷-۹ و زکریا ۱۳: ۱۱ نیز یافت.

در آنچه کوزه‌گر، «گلی که می‌سازد»، «مزرعه‌ای که متعلق به خداوند است»، ترسیم می‌کنند تأمل نمایید. حال پس از تأمل در این مطالب، خرید مزرعه‌ای با پولی که خونبهاست چه مفهومی می‌یابد؟

بالاخره می‌توان چارچوب متن این دو نقل قولی را که متی از ارمیا آورده، با هم مقایسه کرد: در هر دو مورد اعدام‌هایی به فرمان رؤسای یهود صورت می‌گیرد.

◆ متی ۱۶: ۱۴: پیش از اقرار به ایمان پطرس در قیصریه (متنی که قبلاً ذکر شد)،

این متن را با متن مرقس ۸: ۲۸ با توجه به انگیزه هرکدام از این دو انجیل‌نگار مقایسه نمایید: ارمیا چه تعلیمی می‌تواند برای جامعه یهودی - مسیحی زمان متی داشته باشد؟

این گفته که عیسی ارمیایی دیگر است مردم را برای مقابله با چه چیزی آماده می‌سازد؟

چه نکات مشترکی بین عیسی و ارمیا در مقابله ایشان با رؤسای قوم وجود دارد؟